

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد



۲۰۲۳/۰۸/۰۲

محمدآصف فقیری

جوهره دین و انسان شتابی بسوی منحصر به فرد در مقابل حکومت های دینی تھی معنی

چکیده



محمدآصف فقیری

مبحث جوهره و شاخص های معنوی دین زمانی متجلی می شود که در مباحث چگونگی روح پرداخته شود و ساختارهای تھی معنی قرون وسطایی در برابر آن که ریشه در سرشت منفی یا مکر حیل و تزویر انسانی حیوانی دارد هویدا می گردد. اصولاً جوامع مترقی که دستگاه های دولت در حیطه مسوولیت مدنی دولت چون ابزار ماهوی حاکمیت قانون است مجزا و تجزیه شده از دین نیستند که در اعلامیه های جهانی حقوق بشری معنویت دین قابل ملموس و محسوس است از اینجاست که قانون گزاران دولت های مدرن را به رعایت آن در تکلیف همیشگی در برابر استبداد قرار داده است از طرفی چند دولت دینی امروزی یا تیوکرات ها جامعه دین زده چون افغانسان را در یک جهان بی روح کابوس از طوفان خوف نقض بشری و سیر نزولی عقب ماندگی قرار داده اند که ادامه تحلیل را با کلید واژه های ذیل ژرف نگری می کنیم:

۱- چیستی روح:

با قبول اینکه پرداختن به مبحث روح که یکی از موارد مبهم و پیچیده در علوم انسان است و استنتاجات معنویت از حیطه عرفان در مورد می تواند تضادی در برابر استبداد های دینی یا حکومت های دینی ایجاد کند و از مجرای حوزه فرهنگی سیر به سوی مدرنیته کند تا گفتارها یا شعارها و یا احکام تھی معنی حکومت های دینی امروزی را به چالش مواجه ساخته و از طرفی محرکه برق آسا برای قدرت های منطقه و بین الملل به منظور ایجاد دولت مشروع در افغانستان گردد که سنگ بنای ثبات و پایداری در خودآگاهی اعضای جامعه نهفته است و فهم درست از دین یکی از راه حل های بنیادین در حوزه افغانستان بشمار می آید.

قرآن و روح: الروح من امر ربی...سوره الاسراء آیه ۸۵ - اینجا امر و روح را به بررسی گرفته و به نتیجه خواهیم رسید که ادیان به انسان نازل شده یعنی مخلوق در مقدم بوده که صاحب روح است روح جان یا انرژی حیات که اندر جسم جاری است جوهره آزاد و در شتاب بسوی اصلش و محصول آن از این سیر معناست روح را اگر تفسیر قرآن بالقرآن دنبال کنیم جای دیگر در سوره حجر آیه ۲۹ گفته شده: و نفخت فیہ من روحی...و مثنوی مولوی از اینجا آغاز می کند: بشنو از نی چون حکایت می کند از جدایی ها شکایت می کند، البته نی اینجا روح است و جدایی از اصلش یا خدا، کاندز زندان نفیر در دنیا حبس شده، و دو بازگشت روح سوی اصلش در ذات هر انسان نهفته شده، یکی ذایقه مرگ توسط عزرائیل که در آرده فردیت نبوده، و دیگری مرگ جاویدانگی یا همانا مرید شدن در معنویت فردی خود، و تکثیر انرژی یا جوهر بسوی خودش، مرگ عزرائیلی چنین افراد را، جاوید می سازد، که بعد موت شان، و شکر می شود، برای نسل بعدها، به همین زنجیره محصولات فلسفی عقلانی در تمدن دنیایی، که هر دو حسنه دنیا و آخرت لوازم سعادت انسانی بوده، و نباید از جوهره آزادی یا سرشت انسان یا همانا روح آزاده انسانی بدور باشد، اولین کام های رسالت نبوی محمد رسول الله صلوات علیه برای آزادی بیان و برابری بوده، از اینجاست که باور داریم، منابع فیاض و غنی حوزه خراسانی در تاسیس آزادی منحصر به فرد شرق، که اکنون ضرورت جوامع ایران و افغانستان است، وجه تاسیسی کرد.

د پاپو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

غزل:

یکسان با اصل!

مانند ز همانند، یکسان در یک بید
کاندر فنا وجود، بتش را لال نشنید
بی دعا استجایش، دورش کشید
آینده چو گذشته، ز چشمش خمید
در ثنائش بت دید، ز تعجب نخندید
اورا همانجا دید، ماهی چو آب میدید
تشنگی و آب را، در روح خود نوشید
کز بت شکنی وجود، بت شکن رسید
بتش هو می زد، در خموشی شنید
چی دید که بسر ندید، کز دیده او دید
فقیری همه دید، آنچه زاهد میشنید
ز جهان پُر نفوس، حیات در موت دید

روح در امر الهی:

به این معنی که نیت و اراده ما، از مرزهای درونی ذات ما یا عالم امر سرچشمه گرفته و با همراهی آزادی در اراده، در عالم فیزیکی و یا عالم خلق به انجام امور می پردازد.
پس روح در امر جانان یا روح متصل به اصلش که به میل و اراده او یا همانا تقدیر ازلی در جهت و کنش می شود، عکس العملی های عالم شیطانی یا انرژی منفی در برابر بر می گردد به غالب بودن فرد بالای نفس اش همان چهار گونه گفته اند: نفس اماره بالسوء، لوامه ... و مرحله راضیه و مرضیه که احسن است و مقبول ذات اقدس پس تحول در اندیشه و تمدن در دنیا مفهوم است که برگ بی اراده او به زمین نمی آید سعی نمودن مفهوم شناسی مولفه های دینی را عمیق و ژرف گرفت و یا داد چون عدم آن قرون وسطا است و افغانستان امروز...
غزل:

از دل بدل!

در طلوع وحدت زبراق دل به دل
کز فنای حق شد شادکامی دل
زهسته جان چو فیضش بی پایان
صد مسیر پنهان در بیابان دل
ممکنات و کثرت نه بریده در وحدت
عالم اندر عالم پرواز بی بال دل
چو پرواز سوی اصلش آزادی در آزادی
اسارت را شکستن در بت شکنی دل
در مقام بی مقام بی پرده آفتاب تام
هم کعبه و دیر ساکن در مسکن دل
الروح من امری گر در قبض و بستی
تحول ید امرش جلای جوهر دل
در سوختن نور نه حرف و مستور
این خرد ز عقل کل فهم به فهم دل

۲- خراسان و منحصری فرد:

حوزه فرهنگی خراسان که شامل بخش عظیم جغرافیای مشرق زمین است و پسا محمد صلوات علیه و اصحاب اش و یا در جمله اصحاب که گستره از عرفان اسلامی و تمدن های شدند و شامل حکما متصوفین دانشمندان و اندیشمندان فقهی و علمای... می شوند است اما دستگاه تفکر و رسالت عقلانیت به گونه سازمان دهی شده توسط متحجرانه دینی به اسارت آمده و تلفیق از عقلانیت یا خرد ورزی و باورهای دینی را که مسبب سعادت دنیا و آخرت است متزلزل ساخته اند.

د پانو شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په خیر و لولئ

پس قانون گرای از منابع فیاض ارزش های درون کشوری گام اول بسوی مدرنیته بوده و حاکمیت قانون را مبنای که امروزه حکم فردی گروهی جای مصوبه دو مجلس از نمایندگان مردم را گرفته که در این احکام جز فلاکت و عقب ماندگی پدیده دیگری قابل بینش نیست.

منحصر به فرد شدن:

منحصر به فرد شدن یعنی خودآگاهی اعضای جامعه از حقوق شان و مبارزه برای بدست آوردن آن که رسیدن به این مرحله از توسعه انسانی در افغانستان حرف و حدیث برای دنیایی گرای یا سکولار به مفهوم پدیده ضد دینی نمی گزارد چون تمدن دنیا جز از بنیادین شعار اسلامی می باشد هر چند بعد از دهه آزادی دوره شاهی محمد ظاهر شاه چندین نظام حقوقی تجربه شدن که از عدم خودآگاهی اعضای جامعه و عدم انقلاب های فکری بسوی منحصر به فرد شدن فرصت برای بنیادگران افراطیت داده شد و هر گونه گروه های تروریستی منطوقی و بین المللی در این سرزمین تجربه شد که ابعاد روشنفکری و یا توسعه انسان شامل تخصص مجموعه رشته های علوم انسانی می گیرد و از هم زبانی و هم فرهنگی همسایه ها نیز در مورد استفاده صورت گیرد در نتیجه برای عریان ساختن ایده های زشت قرون وسطایی شرایط کنونی را به منظور پدیدار شناسی سیاست مدرن فرصت دانسته و با حکمت قدم برداشت.

۳- ماورای قدرت نامشروع:

نامرئی بودن منشاء و مبنای قدرت که استخبارات بیرونی را در تاسیس هویدا می کند و نبودن نظام حقوقی سیاسی در مبنای حاکمیت قانون بی برنامه بودن در امور توسعه اقتصادی و انکشافی عدم روابط بین المللی و منطوقی از عدم مشروعیت و تبعیض های آشکار قومی جنسیتی در امور داخلی... تتیین و تعریف از ماورای قدرت نامشروع کنونی در افغانستان است.¹

¹ ماورای قدرت طالبانی- متعارف در عدم مشروعیت قدرت- افغانستان و سیاست مدرن:

http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/Fsqiri_a_mashroyat_qdrat.pdf

<http://mashal.org/blog/%D9%85%D8%A7%D9%88%D8%B1%D8%A7%DB%8C-%D9%82%D8%AF%D8%B1%D8%AA-%D8%B7%D8%A7%D9%84%D8%A8%D8%A7%D9%86%DB%8C-%D9%85%D8%AA%D8%B9%D8%A7%D8%B1%D9%81-%D8%AF%D8%B1-%D8%B9%D8%AF%D9%85-%D9%85%D8%B4%D8%B1%D9%88/>

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/200_Faqiri_A_Mawaraye_Qodrat.pdf

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلېکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیرو لو مخکې په خیر و لولئ